

سرچشمه انحراف اینجاست

✽ تجمل و خودآرایی آیا بزن اختصاص دارد ؟

✽ چرا مرد بمسائل خانوادگی علاقه نمی‌ورزد ؟

✽ روش‌های روانی اسلام در مسائل زناشویی .



تجمل و خودآرایی آیا بزن اختصاص دارد ؟

در مقاله گذشته گفته شد که سمادت خانوادگی در گرو دو حیثیت مادی و معنوی است و هر دو عامل ، بسهم خود در خوشبختی زندگی زناشویی مؤثر میباشند . اسلام برای تأمین آسایش زن و مرد بهر دو خصوصیت توجه داشته و برای تحصیل آن دستورانی داده است ، گاهی از پارسائی و پاکدامنی زن سخن رانده ، و زمانی بتجمل و آرایش زن اشاره کرده است . و اگر کسی بگوید که اعتبار جهت دوم برای نگهداری جنبه اول بوده و روی همین نظر به تجمل او نیز دستور داده شده است ، سخنی استوار و ادعائی مطابق با واقع خواهد بود ، چه دستور آرایش و تجمل زن در محیط خانه در حقیقت برای جلوگیری از انحرافات روحی و متابعت‌های شیطانی مرد میباشد .

اکنون در اینجا این سؤال پیش میآید که تجمل و آرایش آیا اختصاصی بزن دارد ؟ بازن و مرد هر يك بنوعی در این باره سهم و شریک میباشند ؟ همانطوری که در اصل پاکدامنی و عفت هر دو برابر و یکسان میباشند .

ناگفته پیداست مرد یکی از دو فرد اصلی خانواده را تشکیل میدهد و ناگزیر در برابر زندگی زناشویی مسئولیت‌هایی را دارا میباشد ، که بخواست خدا در آینده باید دوباره یکایک آنها سخن گفت ، ولی بمناسبت موضوع مقاله پیشین این مسئله مطرح میگردد که آیا مرد هم درباره تجمل و خودآرایی مشابه زن ، وظیفه دارد یا نه ؟

پیش از آنکه از نظریه اسلام در این باره اطلاعی پیدا کنیم؛ شایسته است بطور اجمال مناسبات زناشویی دیروز و امروز را مورد بررسی قرار دهیم تا روشن شود که آیا اثری از روش‌های ارزنده اسلامی در رفتار و کردار خانوادگی مادیده میشود یا نه، و در صورت دوم چه عاملی در تحقق چنین وضع نامساعدی مؤثر بوده است؟

خانه از پای بست ویران است!

اندک تأملی در مسائل زناشویی و مناسبات زن و مرد در دیروز و امروز این حقیقت را بر ما آشکار می‌سازد که مردان نوعاً در معاشرت‌های خود با همسران خویش کمترین توجهی با اصول روانی یعنی «تجمل و خود آرائی» نداشته و ندارند، بلی عده معدودی یافت میشوند که متوجه این نکات برجسته زندگی خانوادگی بوده آنرا رعایت مینمایند ولی اگر از این عده درگذریم معمولاً مناسبات زن و مرد روی اصول صحیح استوار نبوده، و از اینده و موارد چهار یک نوع اختلافات و کشمکش‌ها و بالاخره معروفیت‌ها بوده‌اند. ابر واضح است که در چنین اوضاعی اثر و نشانی از جنبه‌های اخلاقی نیز نمیتوان پیدا کرد.

چرا مرد بمسائل خانوادگی علاقه نشان نمیدهد؟!

میتوان گفت که در درجه اول؛ عاملی که این وضع را پیش آورده عبارت از یک نوع اعتقادی است که مردم معمولاً درباره زن داشته و دارند. دیروز گذشته زن بمنزله متاع خریداری شده نقل و انتقال داده میشد، امتیازات و حقوقی برای او در نظر گرفته نمیشد و با وجود اینکه اسلام قنمهای بزرگی درباره اعیان حقوق پایمال شده زنان برداشت و زن را از اسارت و بندگی نجات بخشید ولی باز از نظر عمل و رفتار چندان التفاتی باین اصل مسلم نشان داده نشد و در نتیجه زن موجودی شیطانی قلمداد شده برای او احترام و حیثیتی قائل نبودند و این زن بود که مانند اسیری در پنجه اعتقادات ظالمانه و بیرحمانه مرد گرفتار بود و مجبور بود با انواع معروفیتها زندگی کند؛ خاطرات تلخ و غم انگیز گذشته در مورد دختران و نادانی و آزمونهای پدران که آنها را وادار مینمود با دختران خود معامله برده کنند هنوز از خاطره-های بیرون نرفته است و هنوز فراموش نکرده ایم که عده‌ای از خدا بی‌خبر؛ دختران خردسال خود را در برابر پول و مقام و ریاست تسلیم مردانی میکردند که برای پدری مناسبتر بودند تا همسری!

آری! شخصیت زن در گذشته شناخته نشده و حقوق حیاتی او رعایت نمیشده است، ممکن است برخی چنین گمان کنند که امروز دیگر تمام آن معروفیتها پایان داده شده و

زنان حقوق مسلمه خود رسیده اند .

ممکن است ساده لوحانی نیز باشند که در اثر بی اطلاعی چنین تصویری را نیز باور کنند .
 و با آنکه از این آب گل آلود ماهی میگیرند و بهوس های سرکش و شہوات حیوانی خود
 نائل میگردند با چنین بنداری موافق باشند ، ولی مطالعه دقیق ، بخوبی این حقیقت
 را بر همه آشکار میسازد که فساد و تباهی که امروز دامنگیر زن شده بمراتب
 خطرناکتر و دلخراش تر از آن محرومیت هایی است که در دیروز زن گرفتار
 آن بوده است در نتیجه حقوق حیاتی زن چه در دیروز و چه امروز بطور صحیح
 شناخته نشده رعایت و توجهی بدان نشده و نمیشود !

یک عامل دیگر

عامل دیگری که مرد را در انجام مسائل خانوادگی مسامحه کار و دچار شک و تردید
 نموده اعتقاد غلطی است که در اثر تزییقات مسوم عده ای نادان و شاید در افکار برخی از
 مسلمانان راه پیدا کرده است ، و عملاً فرار از زندگی اجتماعی و خانوادگی و تن پروری
 و بیماری را بد آنها آموخته است ، و اولین اثر نامطلوبی که از این ترک دنیا و رهبانیت
 عاید اجتماع مسلمانان میگردد آنست که اساس زندگی خانوادگی متزلزل شده و نظام
 زندگی مختل خواهد گردید .

اسلام با تثبیت حقوق اجتماعی و قوانین خانوادگی با رهبانیت و گوشه گیری مبارزه

کرده و بی اعتباری آن را اعلام داشته است .

کسانی که نمیخواهند میان حقوق الهی و حقوق اجتماعی بیوند و هماهنگی بوجود آورند
 چه انجام هر دو اندکی دشوار است - بناچار با توسل بحیل شرعی قیافه آراسته ای بخود گرفته
 دنبال عبادت و گوشه گیری رفته شان خود را از مسئولیت های سنگین خانوادگی خالی مینمایند
 و حال آنکه روی اصول انسانی فراهم آوردن کرده نانی بهرق جبین و آسایش بخشیدن
 بکودکان پریشان و همسر دردمند بر همه عمری که در زهدات و انزال گذشته باشد رجحان
 و ترجیح دارد .

عثمان بن مظعون فرزند دلبندی داشت ؛ ناگهان چراغ عمر فرزندش خاموش

گشت ، عثمان در این ماتم بکنجی خزیده پای از معاشرت کشید و عبادت پرداخت ، رسول
 اکرم (ص) چون از این واقعه آگاهی یافت ، فرمود : اسلام از گوشه گیری و رهبانیت بیزار
 بوده اثری از آن در تعالیم زنده اسلام وجود ندارد خداوند رهبانیت مسلمانان را در دنیا -
 کاری و جانبازی در راه خدا دانسته است ، یا عثمان ان الله تبارک و تعالی لم یکن

علینا الرهبانیة انما رهبانیة امتی الجهاد فی سبیل الله (۱) .

روش های روانی اسلام در مسائل زناشویی .

اسلام دینی است که مبنای آن بر فطرت انسان قرار گرفته است ، آنچه را سرشت و طبیعت بدان دستور میدهد ، اسلام آنرا با بهترین وجهی تشریح و بیان نموده است .

اصل ازدواج امری است طبیعی اسلام در این باره میفرماید : ما بنی بناء احب الی الله من النکاح (۲) یعنی هیچ بنیاد و اساسی در نزد خدا محبوب تر از زناشویی نیست ، در خانه مرد نیازمند صفا و جدایت زن میباشد ، اسلام در این باره دستوراتی فرموده که در مقاله گذشته بآنها اشاره نمودیم .

فطرت در تجمل دوستی فرقی میان زن و مرد نگذاشته است ، همانطوری که مرد، زیبایی زن را می پسندد ، زن هم، آراستگی و نظافت مرد را دوست دارد ، اسلام هم در هزار و چند سال پیش همین نکات برجسته روانی زن را تشریح کرده و مردان مسلمان را متوجه مسائل جنسی نموده است .

امام رضا علیه السلام میفرماید : انها تشتهی منك مثل الذی تشتهی منها (۳) یعنی زن از تو همان را خواستار است که تو از او خواهانی ، البته منظور اینست همانگونه که مرد دوست دارد همسرش زیبا و متجمل باشد ، زن هم دوست دارد مردش اصول نظافت و خودآرایی را رعایت کامل بنماید .

امام محمد باقر (ع) میفرمود : النساء یحبین ان یرین الرجل فی مثل ما یحب الرجل ان یری فیہ النساء من الزینة (۴) یعنی زنان دوست دارند مردان را در وضعی دیدار کنند که مردان متوقمندهمسران خود را در آن وضع و هیئت دیدن کنند یعنی با-تجمل و آرایش .

منظور ما از این سخنان نه آنست که سعادت خانوادگی باید فقط بر محور جنبه های تجملی و زیبایی زن و مرد گردش کند بلکه مقصود ما آنست که علاوه بر توافق های روحی و اخلاقی زن و مرد در امر تجمل هر دو یکسان میباشد و باید هر دو این جهت را رعایت کنند . شاید برخی از افراد این موضوع را امری کوچک تلقی کنند ؛ ولی ناگفته پیداست که مسامحه و تساهل در همین امور جزئی ممکنست کم کم شکافی بس بزرگ در میان زن و مرد بوجود آورده کاخ سعادت و آسایش آنان را متزلزل سازد !

(۱) - امالی صدوق مجلس - ۱۶ - (۲) وسائل الشیعه باب نکاح

(۳) مکالم الاخلاق طهرسی فصل سوم (۴) مکالم الاخلاق طهرسی فصل دوم

غرائزی که در انسان وجود دارد باید از راه‌های طبیعی و مجاز اکتفا کرد؛ و اگر مسامحه و سستی در این کار روی دهد عکس العمل آن بصورت انحرافات روحی و انعطاف از مدار پاکدامنی و عفت ظاهر خواهد شد .

واژه‌مین جابجوبی آشکار می‌گردد که اسلام برای پاکدامنی و نجابت زن تا چه حدودی دوراندیشی نموده و طرح‌های دقیق روانی را از نظر دور نداشته است .

ولی متأسفانه کردار و رفتار برخی از مسلمانان در این باره برخلاف دستورات و تعالیم دینی بوده ، نتیجتاً زمینه‌های انحراف زنان توسط خود مردان پی‌ریزی می‌گردد . البته بسیاری از زنان پاکدامن و پارسا هستند که از این پرتگاه‌های روحی نلغزیده و شکیبائی و فداکاری (دو عامل قوی) آنان را از سرایش سقوط و انحراف مصون میدارد ولی این گذشت و پارسائی برخی از زنان ، نمیتواند از انحراف و سقوط زنان دیگر جلوگیری نماید .

امام ابوالحسن علیه السلام می‌فرمود : ان فی الخضاب اجراً ان الخضاب و التهيئة مما یزید فی عفة النساء و لقد ترك النساء العفة لترك ازواجهن التهيئة لهن (۱) (خضاب و رنگ آمیزی و تهیه ، رعایت اصول نظافت و زایل کردن موهای زبادی و کثافت‌های بدن را گویند) یعنی رنگ آمیزی و رعایت نظافت در پاکدامنی و عفت زنان مؤثر میباشد ، همانا گروهی از زنان در اثر سستی و مسامحه شوهرانشان در موضوع خودآرایی و توجه بنظافت ، از مدار پاکدامنی و نجابت منحرف گردیدند .

در اینجا از این مقدمات میتوان بخوبی چنین نتیجه گرفت که برخی از مردان که زنان خود را در کنج خانه زندانی کرده قوت لایمونی بآنها داده و مانند اسپرانی با آنها رفتار مینمایند ، و در عوض خود با کمال وقاحت و بی‌شرمی آزادانه شب و روز خود را بعیاشی و خوشگذرانی گذرانیده و کمترین توجهی بجنبه‌های روانی و عواطف همسران خود ندارند در حقیقت بدست خود عصمت و عفت خانواده خود را در معرض زوال و تباهی قرار داده و از اینراه زمینه را برای انحراف آنان آماده می‌سازند ؛

(۱) مکالم الاخلاق طبرسی باب پنجم فصل اول